

◇ فصلنامه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ

سال اول . شماره چهارم . تابستان ۱۳۸۹

## بررسی تحصیلات و آموزش زنان در کشورهای پرجمعیت جهان (E۹)

ایران مهدیزادگان\*

### چکیده

در این مقاله به مطالعاتی که یونسکو از تجزیه و تحلیل مقایسه ای نه کشور پرجمعیت جهان موسوم به E۹ یعنی (بنگلادش، برزیل، چین، مصر، هند، اندونزی، مکزیک، نیجریه و پاکستان) انجام داده پرداخته شده است. تلاش های فزاینده ملی این کشورها پیرامون مطالعاتی انجام گرفت که سند رسمی آن توسط ولفانگ فولمن هماهنگ کننده یونسکو ارائه شده بود. در این سند نقش زنان به عنوان مربیان خانواده، مدرسه، جامعه و در زندگی اداری و اجتماعی در طرح ها و برنامه های آموزشی رشد و توسعه در نظر گرفته شده بود. اطلاعات و داده های آماری نشان داد به جز نیجریه رشد و پیشرفت اساسی در تحصیل و آموزش زنان، در همه مناطق، در حاشیه شهرها و روستاها دیده می شود. همچنین بررسی ها نشان می دهد که سطوح تحصیلی والدین به ویژه مادران نقش تعیین کننده در موقعیت تحصیلی فرزندان به خصوص دختران و تشویق و آموزش پایه و ادامه تحصیل دختران داشته است. در اجرای آموزش همگانی مستمر و مداوم در کشورهای E۹ زنان و دختران بسیج شدند تا از توانائی ها، خلاقیت ها و مهارت های آنان در طرح ها و برنامه های آموزشی رشد و توسعه فراگیر بهره گیرند. به طور کلی کشورهای عضو، این حقیقت را پذیرفتند که به رغم نگرش های منسوخ و بازدارنده و موانع موجود در برخی کشورها، زنان می بایستی در کانون همه برنامه های اصلاحی جامعه قرار گیرند. این کشورها در برنامه های ابتکاری تحصیل و آموزش زنان و دختران دارای مجموعه ای از الگوهای قابل پیروی برای جهانیان هستند.

کلید واژگان: تحصیل زنان، آموزش زنان، کشورهای E۹

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، عضو هیئت علمی گروه روانشناسی

## مقدمه

نقش قطعی و بی چون و چرایی را که آموزش در شکل گیری یک ملت ایفا می کند واضح و آشکار است. هویت فرهنگی و آگاهی های عمومی و ملی افراد جامعه نیز از طریق آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی به نسل های آینده انتقال می یابد و در این راستا زنان نقشی اساسی دارند، دسترسی زنان به آموزش و تعلیم و تربیت و نقش غیر قابل جایگزین و دائمی آنها در رشد و پیشرفت ملی سبب گردید که از سال ۱۹۹۳ نه کشور پر جمعیت جهان یعنی بنگلادش، برزیل، چین، مصر، هند، اندونزی، مکزیک، نیجریه و پاکستان متعهد شدند که تحصیلات پایه را برای همه افراد فراهم نموده و گسترش دهند، در این پروژه اهمیت خاصی به زنان به عنوان اکثریت گروهی که هنوز از سواد آموزی و آموزش پایه محروم بودند داده شد.

حقیقت مسلم اینکه زنان قشر عمده نیروی در حال آموزش جامعه را تشکیل می دهند هم به تعبیر سنتی و هم مدرن، اما در برخی کشورها اعتبار کمی به مشارکت آنها در رشد و پیشرفت اجتماعی داده می شود. در سال ۱۹۹۵، کنفرانس جهانی زنان در پکن پایتخت چین تأکید کرد که رشد و پیشرفت ملی مداومی ممکن نیست مگر اینکه زنان به حقوق مساوی برای آموزش و تحصیلات دست یابند.

مطالعاتی که توسط یونسکو در کشورهای E۹ انجام گرفت، نظر جامع تری به نقش زنان در جامعه به خصوص در سطوح مختلف آموزشی داده شد. گرچه گاهی برنامه ها و طرح های ابتکاری با مقاومت روبرو می شود و حق واقعی تعلیم و تربیت و آموزش برای زنان و دختران در این کشورها نادیده انگاشته می شود، اما نتایج مطالعات نشان داد که هر چه سطح تحصیلی، مادران بیشتر باشد ارتقاء آموزشی در دختران بیشتر است. لذا وجود زنان در ایجاد و نزدیک ساختن نهادهای بنیادی جامعه به منظور دستیابی به آموزش همگان و مستمر در این کشورها ضرورتی اجتناب ناپذیر می نماید. علاوه بر فعالیت ها و تلاش های ملی به منظور تدارک ملی اصلاح نظامهای آموزشی، در سال های اخیر بسیاری از کشورهای E۹ از طریق سازمان های بین المللی به تدارک مالی برای سیستم های آموزشی خود جهت ساختن مدارس و آموزش تعداد بیشتری از زنان و دختران و معلمان دست یافتند.

آموزش پایه نیز به وسیله راهبردهای جدید آموزش بزرگسالان در این کشورها همراه می شود، و اقدام برای همگانی کردن آموزش پایه و ارائه کیفیت آموزشی مطلوب و مطرح به پدران و مادران براساس این تفکر که پسران و دختران در خانواده به لحاظ موقعیت های تحصیلی شان مورد تشویق قرار گیرند و اینکه گسترش آموزش پایه در کودک سبب تسهیل فعالیت های آموزشی سطوح بالا می گردد مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت همه کشورهای E۹ حضور و وجود زنان را در ایجاد و نزدیک ساختن نهادهای بنیادی جامعه به منظور دستیابی به آموزش مرتبط و دائمی و همگانی ضروری داشته و در نتیجه اولیاتی برای پیشرفت برنامه های اجتماعی برای تعلیم و تربیت زنان با هدف ارتقاء آموزش و تعلیم و تربیت دختران و ایجاد اصول و قوانینی که به نابرابری جنسی پایان دهد در طرحهای اجرایی خود تدوین نمودند.

## زنان در نقش مربیان

تلاش های فزاینده ملی، کشورهای موسوم به E۹ پروژه مشترکی را در زمینه « زنان در نقش مربیان»

از سال ۱۹۹۳ آغاز کرده اند. در سال ۱۹۹۵ در کنفرانس جهانی زنان در پکن به تساوی حقوق زنان برای آموزش و تحصیلات تأکید گردید که در این راستا نه پژوهش و مطالعه ملی توسط یونسکو انجام شد که نظری جامعه‌تر به نقش زنان در اجتماع داده شود، این مطالعات نه تنها اهمیت عملکرد قابل توجه زنان در جامعه را آشکار ساخت بلکه حقایق و واقعیت های تلخی از محرومیت زنان را در فرآیند کلی آموزش و تعلیم و تربیت روشن نمود (نقش زنان در آموزش و پرورش چین، ۱۹۹۹).

اولین نتایج در ارتباط با سوادآموزی و آموزش زنان و دختران نشان داد که در برخی از مناطق، سطوح تحصیلی زنان از سطوح تحصیلی مردان بهتر بوده است با توجه به اینکه نابرابری ها هنوز به صورت گسترده و همه جانبه وجود دارد. به رغم این دشواریها در این کشورها، زنان تدریجاً به حقوق اساسی خود در خانواده و جامعه و حتی چرخه زندگی اداری و اجتماعی پی بردند، بدین ترتیب آنها کاتالیزوری شدند در تغییر و تحول اجتماعی، نه در مقایسه و برابری با مردان بلکه با همان ماهیت و شأن و مقام اجتماعی. ایده و تفکر زنان به عنوان مریبان، در این کشورها به صورت ضرورتی الزامی و اجتناب ناپذیر جایگاه خود را یافته است گرچه هنوز کارهای زیادی مانده اما تلاشهای آموزشی دولت ها بسیاری از شهرها و روستاها را دربر گرفته و در این راه مردم راهها و روش های جدید نگرش به جهان و جامعه را فرا گرفته اند در این خصوص، دولت های E۹ از نیازشان به بخش های آماری معتبر به منظور حفظ کارآیی و قابلیت اجرایی نه تنها در برنامه های آموزشی بلکه در برنامه های اجتماعی نیز کاملاً آگاه شده اند. به منظور انجام یک تجزیه و تحلیل تطبیقی در مورد زنان در نقش مریبان، کشورهای E۹ چارچوبی به منظور آماده سازی تشخیص ملی تهیه کرده اند این معیارها و ملاک ها چهار نوع واقعیت را در بر می گیرد که خطوط اساسی و بنیادی آن به عنوان:

۱- زنان در نقش مریبان خانواده

۲- زنان در نقش مریبان مدرسه

۳- زنان در نقش مریبان جامعه

۴- زنان به عنوان مریبان در زندگی اداری و اجتماعی مطرح شده است.

اطلاعات و داده های آماری به همراه شاخص های موقعیتی و زمینه هائی که در این گزارش وجود دارد امکان ارائه ایده ها و نظرات بهتری درباره راهکارها و سیاست های ملی در زمینه هایی فراهم می آورد که ساختار و شکل های آموزشی بدان تعلق دارد. هیچکس به انگیزه این کشورها نمی تواند شک کند گرچه هنوز کمبودها و کاستی های زیادی وجود دارد، اما کسی در مورد این واقعیت نمی پرسد که چگونه آموزش زنان یک تسریع کننده در رشد آموزشی این کشورهاست؟

این کشورها امکان ندارد همه شاخص های مورد نظر در مدارک اصلی را پنهان و پوشیده نگهدارند و تطبیق نهایی از طریق تمرکز بر چهار نوع شاخص انجام می گیرد:

۱- شاخصهای اصلی براساس گزارشات ارزیابی ملی EFA ۲۰۰۰

۲- شاخص های آموزشی زمینه ای

۳- شاخص های جمعیت شناختی زمینه ای

۴- شاخص های رشد انسانی

کشورهای E۹ تعهد نمودند که امکانات تحصیلی و آموزشی را ارتقاء و گسترش دهند (برای مردان و زنان و دختران و پسران) در حالی که امتیاز خاصی به زنان به عنوان محور اساسی رشد و توسعه ملی در این کشورها داده شده است (ارزیابی جمهوری عربی مصر)!

رابطه تحصیل زنان و آموزش پایه دختران در کشورهای E۹:

آموزش به عنوان یک فرآیند زندگی مطرح است نه به عنوان گزینشی اختیاری و داوطلبانه توسط والدین و مسئولین امر. آموزش ابتدائی در کشورهای E۹ با سرعت رو به گسترش است در بسیاری از کشورها نرخ های خالص ثبت نام در مدارس ابتدائی نزدیک به صد درصد است. قانون گذاری در این کشورها به صورت انواع اجباری و آزاد، آموزش پایه را بوجود آورده است (نمودار شاخص های آماری در پیوست ۱ سن ورود و ادامه تحصیل در سطوح ابتدایی و دبیرستان را در این کشورها نشان می دهد). گرچه نرخ های، بازماندگان در مدرسه و دستیابی به مواد آموزشی همیشه این واقعیت را نشان نمی دهد و در بسیاری از موارد دختران از آن محروم هستند (چاتر جی، ۱۹۹۹).

نمودار ۱: سن ورود و ادامه تحصیل در سطوح ابتدایی و دبیرستان

کشور	سن																			
	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰			
بنگلادش			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲						
برزیل				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱						
چین				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰							
مصر			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲						
هند			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲						
اندونزی				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲					
مکزیک			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲						
نیجریه			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲						
پاکستان		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲							

آموزش اجباری □

مرحله دوم - سطح دوم ■

سطح ابتدایی □

مرحله اول - سطح دوم ■

سطح دوم ■

منبع: سالنامه آماری، یونسکو، ۱۹۹۸- گزارشات ملی EFA-۲۰۰۰

1. The EFA 2000 Assessment Arab Republic of Egypt

2. Chatterji

در چین ۸۰ درصد از پدران و مادران که در ایالت گانسو<sup>۱</sup>، نینگسیا<sup>۲</sup>، گونینگای<sup>۳</sup>، گویشیرو<sup>۴</sup> مورد پرسش قرار گرفته بودند، با این مسئله که دختران باید به مدرسه بروند موافق بودند، اما وقتی که سوال شد که تا چه کلاسی دوست دارند بچه هایشان درس بخوانند؟ گزینه هنوز معلوم نیست، توسط ۳۲ درصد از والدین بی سواد ارائه شد ۱۸/۲ درصد از والدین تا کلاس اول ابتدایی، ۱۶ درصد از والدین تا کلاس دوم، ۸/۲ درصد از والدین تا کلاس اول دبیرستان و ۲/۸ درصد از والدین تا کلاس دوم دبیرستان نظر دادند. این مطالعه نشان می دهد که هر چه تحصیلات والدین پایین تر باشد نظر آنها درباره این سوال که چرا فرزند خود را به مدرسه می فرستند از تعمق و انتظار در سطح پایین تری قرار دارد و اهداف و امید و آرزوهایشان برای فرزندان در سطح بالاتری قرار دارد (مرکز مطالعات زنان در چین، ۱۹۹۹).

در نظرخواهی دیگری که در سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ از ۲۶۴۴ زن بیسواد از ده ایالت چین انجام گرفت، ۵۷/۹ درصد از پدران و ۸۶/۲ درصد از مادران یا بیسواد بودند و یا سواد ناقص داشتند و در خانواده هایی که هر دو والدین بی سواد بودند، عملاً امکان و آموزش مناسب برای بچه ها غیر ممکن می نمود. در مصر مادران و پدران بی سواد کمتر فرزندان را برای زندگی مهیامی کنند، بی سواد بریاور، نگرش، رفتار و تصمیم گیری آنان تأثیر می گذارد. تحصیلات زنان این احتمال را افزایش می دهد که دختران به مدرسه بروند و آموزش ابتدایی را به اتمام برسانند. (نمودار ۲ تحصیلات و آموزش دختران را در پایان دهه ۹۰ نشان می دهد) (کشورهای E۹<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹).

والدین بی سواد ممکن است با تصمیم به ازدواج در سنین پایین برای دختران موافق باشند و یا آنها را مجبور به ترک تحصیل نمایند، با این حال در قاهره نرخ سوادآموزی زنان به ۷۹/۹ درصد می رسد و در مناطق روستایی مصر این نرخ به ۲۸/۳ درصد می رسد، در این کشورها بی سواد زنان (۴۸/۹ درصد) تقریباً دو برابر نرخ بی سواد مردان (۲۶ درصد) است. در سال ۱۹۹۳ ششصد هزار دختر سنین ۶ تا ۱۰ سال از مدرسه رفتن محروم بودند بیشتر محرومیت ها در مناطق روستایی و فقرنشین دیده می شود. پژوهشی در بنگلادش نشان می دهد که ۵۷/۵ درصد از پسران و دختران در خانواده هایی که والدین تا سطح دبیرستان یا بالاتر تحصیل کرده اند مدرسه می روند و در خانواده هایی که افراد تنها تحصیلات ابتدایی دارند ۱۷/۵ درصد در مدرسه حضور می یابند در حالی که در خانواده هایی که پدر بی سواد است تنها ۵ درصد از بچه ها مدرسه می روند، در همین مطالعه این نتایج به دست آمد که ۹۵ درصد از زنان به آموزش فرزندان در ارتباط با بهداشت و بهزیستی مبادرت می ورزند در صورتی که تنها ۶۰ درصد از پدران در این رابطه انجام وظیفه کرده اند. همه مادران برای مسائل مذهبی و اخلاقی در فرآیند رشد فرزندان اهمیت بیشتری قائل اند در حالی که ۷۰ درصد از پدران به این امور رسیدگی

1. Gansa
2. Ningxia
3. Qinghai
4. Guizhou
5. The E-9 Countries

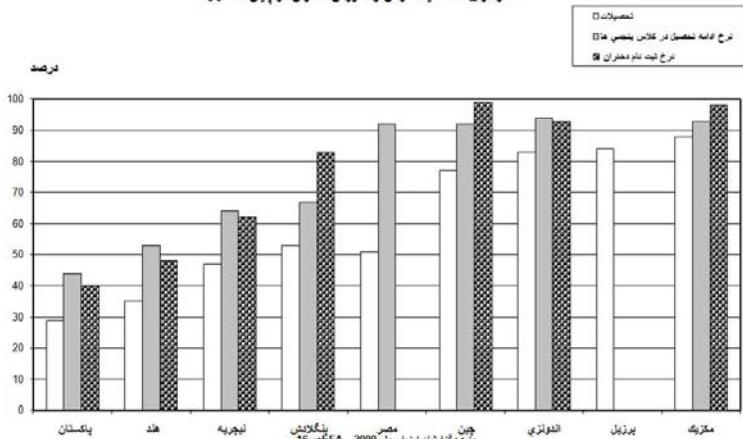
می نمایند (رافیکا، ۱۹۹۹).

در سال ۱۹۹۸ از دانش آموزان موفق یک دبیرستان در بنگلادش نظرخواهی انجام گرفت که نشان داد یکی از مهمترین دلایل موفقیت آنها تشویق والدین به ویژه مادران بوده است در کشورهای E۹ رابطه بین نقش مادری و موفقیت تحصیلی بچه ها، به خصوص دختران را میتوان با نرخ بقاء ۵ سال تحصیل در زنان که در نمودار ۲ نشان داده شده است ملاحظه نمود. هرچه سطح خواندن و نوشتن در یک جامعه بالاتر باشد، عمدتاً هرچه زبان نوشتار توسط مادران مورد استفاده قرار گیرد انگیزه هایی که در خانه به موفقیت های تحصیلی بچه ها کمک می کند قوی تر خواهد بود (نرون، ۱۹۹۹).

مصر نمونه بارزی است که برخلاف نرخ پایین سواد آموزشی زنان، نرخ بازماندگان دختران در مدارس بسیار بالا است. کشورهایی که دارای پایین ترین نرخ بقای ۵ کلاس تحصیل هستند، نظیر پاکستان، هند و نیجریه، آنهایی هستند که دارای پایین ترین نرخ باسوادای زنان و پایین ترین نقش تحصیلی آنها هستند. در بیشتر کشورها دختران نرخ ترک تحصیل پایین تری نسبت به پسران دارند، یعنی اینکه آنها دارای تحصیلات ابتدایی هستند. چین بالاترین نرخ حاصل ثبت نام دختران، نرخ بالاتر بازماندگان تحصیلات ابتدایی دختران نسبت به پسران را نشان می دهد (رافیکا، ۱۹۹۹).

در برزیل دختران مدت زمان بیشتری را در مدرسه می گذارند و برای گذراندن یک کلاس امتحانات بیشتری می دهند. هر دو جنس دختر و پسر افت تحصیلی جدی دارند با این حال عملکرد دختران بهتر است. یعنی دختران کمتری مبادرت به ترک تحصیل می کنند. در اندونزی نرخ ماندگاری برای دختران ۹۴/۳ درصد است در حالی که برای پسران این میزان به ۹۳/۵ درصد می رسد (وزارت آموزش و فرهنگ، ۱۹۹۹).

نمودار ۲ - تحصیلات زنان و آموزش دختران در پایان دهه ۹۰



1. Rafica
2. Nurun
3. Ministry of Education and Culture

در مکزیک نرخ تکمیلی تحصیلات دختران نسبت به پسران در مقطع ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان بالاتر است در سال تحصیلی ۹۸ - ۱۹۹۷ نرخ پسران مردود در مدارس ابتدایی ۴/۸ درصد و دختران ۱/۶ درصد بوده است. و نرخ ترک تحصیل این در مقطع پسران ۳ درصد و در دختران ۷/۲ درصد بوده است، آخرین سرشماری ملی در مکزیک در سال ۱۹۹۷ نشان داد که در محدوده سنی ۱۵ تا ۱۸ سالگی، رشد تحصیلی زنان بالاتر از مردان بوده است. سطوح مختلف تحصیلات در میان جمعیت بزرگسالان را می توان در نمودار ۳ که منعکس کننده رشد تحصیلی پایه در هر کشوری به خصوص قبل از دهه ۱۹۹۰ و اواخر آن است مشاهده نمود (وزارت ملی آموزش و پرورش، ۲۰۰۰).

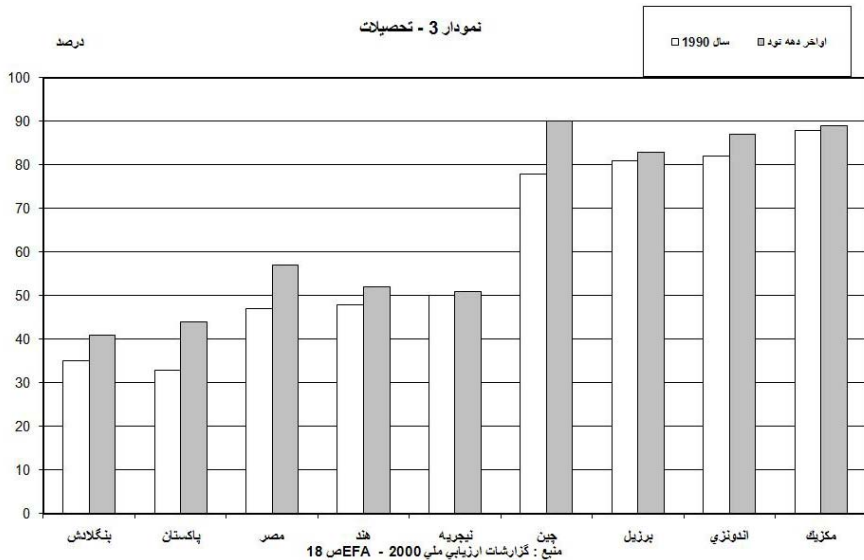
سطوح تحصیلات و آموزش مشکلاتی را آشکار می سازد که سیستم آموزش عمومی در رسیدن به دست نیافتنی ها به آن مواجهه است یعنی مسائل زبان شناسی جوامع اقلیت، جوامع کشاورزی سنتی، جوامع منزوی و دورافتاده. نمودار شماره ۴ نشان دهنده همبستگی میان سطوح تحصیلی زنان و نرخ خالص ثبت نام دختران در آموزش ابتدایی است این واقعیت که میزان ثبت نام در اکثر کشورها فراتر از میزان آموزش است، این فرضیه را که سطوح آموزشی مادران اثر تعیین کننده ای بر آموزش پسران و دختران دارد را نقص نمی کند اما تا اندازه ای نشانگر تلاش های دولت در ارائه آموزش به نسل های آینده است در جاهائی که سابقاً هیچ خدماتی در زمینه آموزش وجود نداشته است، یعنی به طور دقیق این تلاش ها نشان می دهد که چرا پیشرفت آموزش پایه در نسل جدید بالاتر از آموزش بزرگسالان است. در چین و بنگلادش فاصله بین هر دو شاخص، تلاش های قابل ملاحظه ای را نشان می دهد که دامنه آموزش پایه را گسترش داده است. در بنگلادش در سال ۱۹۹۳ برنامه ای آغاز شد که «آموزش ابتدایی عمومی» نام گرفته است که اهداف آن آموزش پایه برای ۴/۱۵ میلیون دختر و پسر سنین ۶ تا ۱۰ سال بوده است. پیشرفت بزرگی که در مدارس این کشور حاصل شده باید مورد ارزیابی قرار گیرد. و می بایستی این واقعیت را در نظر داشت که آموزش ابتدایی فقط تا سال ۱۹۹۲ اجباری بوده است (نرون، ۱۹۹۹).

در مکزیک، به عبارتی با اینکه پیشرفت ها در ثبت نام دبستانی به میزان لازم چشمگیر نبوده است، اما تلاش های زیادی برای قشرهائی که از آموزش سنتی بهره می گرفتند (گروههای نژادی، روستایی، کودکان معلول و جوامع دورافتاده که نمایندگان تقریباً حدود ده درصد این جمعیت می باشند). حاصل شده است. در سال های اخیر سیر نزولی آموزش پایه در نیجریه نشانگر این واقعیت است که نرخ خالص ثبت نام دختران در مدارس ابتدایی، پایین تر از نرخ آموزش دختران است. این حقیقت به طور خارق العاده در ۹ کشور زیر سوال قرار دارد. اگر این روند معکوس نباشد سطوح آموزشی نسل های جدید پایین تر از نسل های قبلی خواهد بود. در سال ۱۹۹۵ از ۹/۲۵ درصد دخترانی که باید در مدرسه ثبت نام میکردند، ثبت نام به عمل نیامد. نابرابری های فاحش نیز در توسعه و پیشبرد سطح آموزش متوسطه وجود داشته است (وزارت ملی آموزش و پرورش، ۲۰۰۰).

نیجریه دارای نرخ و میزان ترک تحصیل بالایی است. برای مثال در سال ۱۹۹۵ بررسی ها نشان می

دهد که میانگین نرخ فراغت از تحصيل در مقطع ابتدایی برای پسران و دختران به ترتیب ۵۶/۳ و ۴۳/۷ درصد بوده است. اکثر دختران به دلیل ناتوانی در پرداخت شهریه و هزینه ها و دور بودن بُعد مسافت و عدم دسترسی به مدرسه، عوامل مذهبی، ازدواج زود هنگام یا بیماری مدرسه را ترک گفته اند در چین یکصد و چهل و پنج میلیون نفر از افراد حدود ۱۵ سال بیسواد هستند، نود درصد از آنها در مناطق روستایی زندگی می کنند و هفتاد درصد از آنان رازنان تشکیل می دهند. در مناطق روستایی نقش های جنسیتی خشک و متحجر مانع دسترسی زنان به آموزش و حضور کامل آنها در اجتماع می گردد به علاوه اکثریت جمعیت های روستایی در این کشور متعلق به چهل و نه گروه قومی (اقلیت) که در غرب زندگی می کنند و از پایین ترین نرخ آموزش برخوردار نیستند (زن و نقش او در آموزش و پرورش نیجریه<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

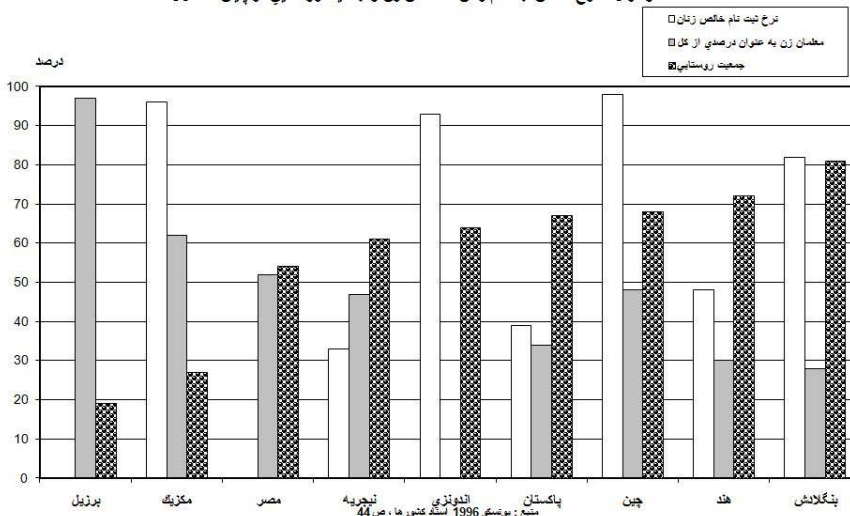
در چندین ایالت چین عمدتاً در مناطق روستایی میزان ترک تحصيل در دختران (۲۰/۵ درصد) به دلیل مشکلات عدم دسترسی به مدرسه و آداب و رسوم سنتی و مذهبی بالاست. با این وجود میزان ترک تحصيل عمومی در مدارس ابتدایی (۹۳ درصد) همراه با نابرابری هایی که فقط در مطالعات منطقه ای مشاهده می گردد نسبتاً پایین است. یکی از دلایل حضور کمتر دختران در مدارس ابتدایی این واقعیت است که در برخی از ایالت ها تعداد معلمان زن کم است و مدیران زن نیز کمتر می باشند. مطالعات نشان می دهد که هر چه مدیران زن بیشتر باشد تعداد دانش آموزان مؤنث در مدارس بیشتر خواهد بود، برای مثال در هوئی<sup>۲</sup> در ۳۳۳۰ مدرسه ابتدایی فقط ۳۹۵ معلم زن وجود دارد به همین دلیل ثبت نام در آموزش ابتدایی در این نواحی پایین تر از ۴۰ درصد است (یونسکو<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹) (رجوع به نمودار ۵).



1. Women and their Role as Educators in Nigeria
2. Hui
3. UNESCO Cairo Office



نمودار 5 - نرخ خالص ثبت نام زنان ، معلمان زن و جمعیت روستایی در پایان دهه ۹۰



در مکزیک، ماهیت روستایی و متفرق جمعیت با متروی ساختن آموزش ارتباط دارد چالش‌ها هنگامی عمیق تر می‌شود که این متغیرها در جوامعی که به یکی از گروه‌های بومی که به یکی از زبانهای هشتادگانه و لهجه‌های مختلف تکلم می‌کنند ارتباط دارد. در برزیل دخترانی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند برای ورود به مدرسه با مشکل مواجه نیستند و در عین حال در شمال و شمال شرقی برزیل در مناطق روستایی و جمعیت برزیلی آفریقائی تبار نرخ تحصیل بالاتر است. باید بر این واقعیت تاکید کرد که برخلاف دیگر کشورها تحصیلات زنان بالاتر از تحصیلات مردان است (رجوع به نمودار ۶) از دهه ۱۹۸۰ عموماً زنان بیشتری را نسبت به مردان در سطوح آموزشی بالاتر دیده ایم (رائو، ۲۰۰۰).

در هند تا سال ۱۹۵۱ نرخ تحصیلات زنان فقط ۷/۹۳ درصد در یونسکو تخمین زده شد که تا سال ۱۹۹۵ این رقم باید به ۳۷/۷ درصد می‌رسد. علیرغم تلاش‌های دولت، شکاف بین سواد آموزی و آموزش زنان و مردان هنوز بسیار بالاست، با وجود اینکه نرخ مردان ۷۰/۵ درصد است. با این حال نرخ مربوط به زنان ۴۳/۹ درصد می‌باشد در سه ایالت که از آسیب پذیرترین و ضعیف ترین ایالت بودند یعنی یوپی<sup>۱</sup>، بیهار<sup>۳</sup> و راجستان<sup>۴</sup>، با جمعیت سیصد میلیون نفری شان نرخ آموزش زنان پایین تر از حد معمول است یکصد منطقه وجود دارد (یک پنجم کشور) که سطح آموزش زنان پایین تر از ۱۰ درصد است. با این حال در تخمینی دیگر سطح آموزش در منطقه کلاراهمتر از با کشورهای پیشرفته برآورد شده است (رائو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). در بنگلادش نرخ تحصیل در مدارس دولتی در میان پسران

1. Rao
2. Uip
3. Bihar
4. Rajasthan
5. Rao & et al

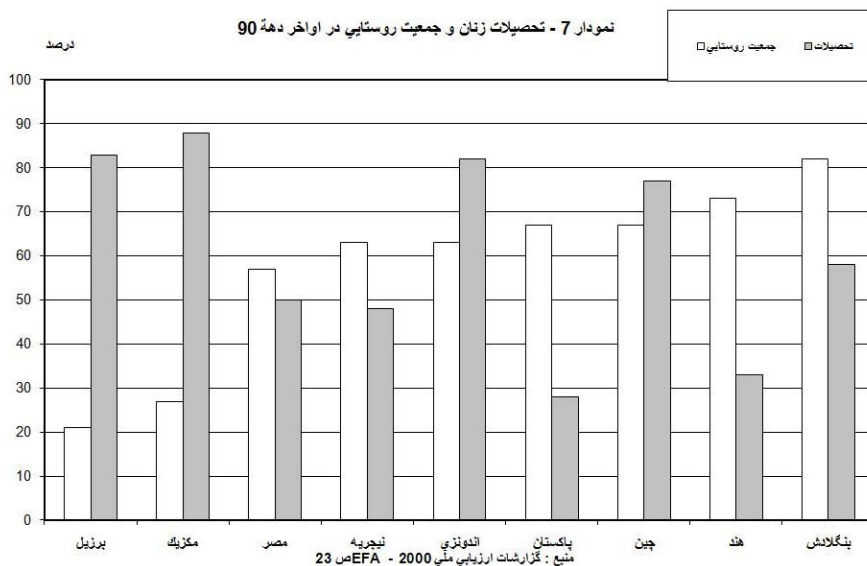
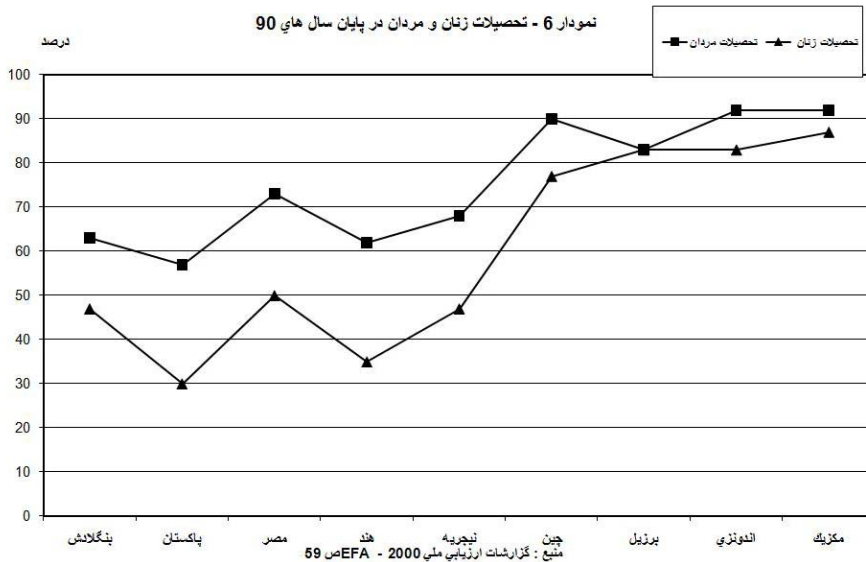
۱۴/۸ درصد) و دختران (۱۷/۲ درصد) که بسیار بالاست، با این وجود این آمار درونمای کاملی را نشان نمی دهد به طور قطع در مناطق روستایی ترک تحصیل در دختران با اوضاع اجتماعی آنها، عدم دسترسی به مدارس در مناطق دورافتاده و گرفتاری آنها در کارهای خانگی ارتباط دارد (نرون، ۱۹۹۹). در ایالات شمالی نیجریه نسبت به ایالات جنوبی نرخ ثبت نام پایین است برای مثال در سال ۱۹۹۵ با اینکه در منطقه دلتا ۵۲/۴۳ درصد از دختران در مدارس ابتدایی حضور داشته اند در شمال این آمار به ۲۳/۹۹ درصد می رسد (زن و نقش او در آموزش و پرورش نیجریه، ۱۹۹۹).

در نمودار ۷ ارتباط معکوس میان جمعیت روستایی و آموزش زنان قابل مشاهده است. اندونزی و چین، کشورهای با نرخ جمعیت روستایی بالا و نرخ نسبتاً بالای آموزش زنان و نرخ خالص آموزش دختران با برنامه های قانون مند و هدفمند در این رابطه هماهنگ هستند و امیدواری بیشتری جهت رشد و پیشرفت فزاینده در جهت آموزش زنان و دختران دارند. این بررسی اجمالی نشان می دهد، که فعالیت ها و تلاش های ملی به منظور هر چه بیشتر آموزش زنان و دختران در کشورهای E۹ در حال گسترش است و آموزش پایه به وسیله راهبردهای جدید آموزش بزرگسالان همراهی می شود. و هر دو با سیاست و عمومی سازی آموزش برای ارائه کیفیت آموزشی خوب و مطرح هم برای پدران و مادران و هم برای تشویق و موفقیت پسران و دختران مورد توجه و تاکید قرار گرفته است (رائو، ۲۰۰۰).

### نتیجه گیری

به منظور اهداف جهان شمول آموزش پایه که در سال ۱۹۹۰ در جومیتن تایلند و در سال ۱۹۹۳ در دهلی نو در هند تشکیل شد، نه کشور پر جمعیت جهان موسوم به E۹ بر نقش اصلی زنان در فعالیت های آموزشی تاکید کردند، همچنین زنان را مسئول و متعهد به عنوان معلم، مربی و رهبران محوری جامعه دانستند تا مدیریت و برنامه های دستیابی به آموزش پایه را در این کشورها تامین نمایند. سند رسمی و ملی این مطالعات به عنوان «زنان در نقش مربیان» مورد تاکید قرار گرفت. در سال ۱۹۹۵ نیز در کنفرانس جهانی زنان در پکن بر نقش محوری زنان در گستره فعالیت های اجتماعی و آموزشی تاکید گردید که رشد و پیشرفت ملی مداوم و مستمر ممکن نیست مگر اینکه زنان به حقوق مساوی برای آموزش و تحصیلات دست یابند.»

در همه کشورهای مذکور بجز نیجریه پیشرفت های قابل ملاحظه ای دیده میشود و همه کشورها در برنامه های اساسی آموزش پایه برای دختران و پسران را مورد توجه قرار دادند و نرخ سواد و تحصیلات دائماً در این کشورها در حال ارتقاء می باشد. آمارها و اسنادی که در دست است نه تنها شباهتها بلکه بسیاری از تفاوت های موجود در میان این کشورها را نشان می دهد. همچنین برسیهای انجام شده در این کشورها نشان داد که سطوح آموزشی و تحصیلات والدین به ویژه، مادران تعیین کننده پیشرفت و موفقیت تحصیلی فرزندان می باشد و هر چه میزان سواد و تحصیلات والدین بیشتر باشد فرصت و امکان دسترسی و تشویق دختران به آموزش پایه و ادامه تحصیل بیشتر خواهد بود براین اساس این کشورها در



سالهای اخیر علاوه بر فعالیت ها و تلاش های ملی به منظور تدارک مالی و اصلاح نظام های آموزشی برنامه ها و طرح های پیگیر برای ساختن مدارس و آموزش تعداد بیشتری از زنان و دختران، آنان را در اولویت برنامه های رشد و توسعه قرار دادند.

این تلاش ها به منظور ارائه کیفیت آموزشی خوب و مطرح برای پدران و مادران جهت تشویق پسران و دختران در خانه و موفقیت تحصیلی شان برای گسترش سطوح مختلف آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. نمونه آن اندونزی و چین است کشورهای بانرخ جمعیت روستایی بالا و نرخ نسبتاً بالای آموزش

زنان و نرخ خالص آموزش دختران که با این برنامه ها هماهنگ بوده است. گرچه در این کشورها در بسیاری از مناطق روستایی به دلیل آداب و رسوم، عقاید سنتی و مذهبی سبب شده حقوق زنان و دختران به خصوص در زمینه آموزش پایه مورد غفلت قرار گیرد، اما هر یک از کشورها راهکارها و قواعد بسیج اجتماعی را مورد بررسی قرار داده اند تا منابع و فعالیت ها شان را جمعیت های مناطق روستایی، حاشیه نشین و منزوی متمرکز نمایند.

همانگونه که در نمودار ۵ ملاحظه شد ارتباط معکوس میان جمعیت روستایی و آموزش زنان مشاهده می شود، به رغم همه دشواریها این کشورها معتقدند و بر این باور تاکید دارند که فعالیت های آموزشی باید ادامه یابد تا موفقیت های بیشتری حاصل شود و مادران باید در مرکزیت مقدماتی آموزش پسران و دختران قرار گیرند، همانگونه که مهارت های اجتماعی اولیه، ارزشها و رشد عاطفی و اخلاقی از سوی مادران به فرزندان انتقال می یابد. در کشورهای E۹ این مسئله بوضوح روشن ساخت که هر چه سطح پیشرفت و رشد آموزشی بالاتر باشد، شاخص های تفویض قدرت به زنان بالاتر خواهد بود. تلاش هایی که این کشورها به منظور «نهادینه ساختن» پیشرفت زنان به وسیله اصلاحات اساسی و قانونی انجام داده اند با ایجاد مؤسسات و سازمان هایی که تفویض قدرت به زنان و دختران را حمایت و تامین می نمایند تقویت شده است. علاوه بر این وقتی زنان به موقعیت اجتماعی دست یابند و فعالانه در ارزشهای مبتنی بر دموکراسی مشارکت نمایند، در رشد و پیشرفت جوامع بیشتر سهیم و شریک خواهند بود. چنین وضعیتی روشن و از پیش تعیین شده است همانگونه که جوامع در سراسر جهان پیچیده تر می شوند و دگرگونی بوجود می آید، بازشناسی تمایزات و حقوق اشخاص در دفاع از اختلافات فرهنگی، رشد جمعیت، گسترش فن آوری، آگاهی فردی و جهان شمولی اقتصادی و فرهنگی نیز گسترش می یابد که دلایل آن رشد روزافزون دموکراسی است.

حاصل اینکه در تحلیلی مقایسه ای که در این نه کشور به دست آمد نشان داده شد، کشورهای که در آنها تقسیم ثروت نامتعادل است و کشورهای که میزان مشارکت شهروندان در تصمیم گیریهای اساسی ملی پایین و کشورهای که در آن شاخص های رشد انسانی و تکنولوژی پایین است کشورهای هستند که در آن موانعی برای پیشرفت زنان وجود دارد. (۲۰۰۱)

این کشورها متعهد شدند به منظور ارائه آموزش همگانی، زنان و دختران را در قلب برنامه های رشد و توسعه ملی قرار دهند و بیاموزند که نباید در برخورد با دشواریها و موانع نرمش نشان دهند زیرا آموزش بزرگترین چالش و بزرگترین آرزو برای این کشورهاست.

### منابع

- Chatterji, C. (1999). Women in E-9 Countries and their Role of Educators, New Delhi, India.
- Hammond, R. S. (1999). Egyptian Women as Educators Within The Family and the Society. Cairo, Egypt.
- Kabir, N. N. (1999). Women in Bangladesh: their Role as Educators, UNESCO, Dhaka.
- Ministry of Education and Culture. (1999). Education for All: The Year 2000 Assessment, Jakarta, Indonesia.
- Ministry of Education, GOP. The EFA 2000 Assessment Pakistan Report, Islamabad, (1999) .
- Ministry of Public Education , General International Relational Department, Jomtien+10 Evaluation of Education For All 2000, Mexico City,2000
- Rao, D. B. (1996). Encyclopedia of Education for All, 5 Vols, APH Pub Corp, New Delhi, India.
- Rao, D. B. (2000). Education for All: Achieving The Goal, 3 vols. APH Pub Corp, New Delhi, India.
- Rao, D. B., Latha, D. P., & Harshitha, D. (2001). Women as Educators, 1 th edn. Discovery publishing house, Newdehli, India.
- Rao, D. B., Pushpalata, B. D., & Harshita, D. (2001). Woman as educator, Discovery publishing House , New Delhi, India.
- The E-9 Countries. (1999). Recent Demographic Trends, Literacy Rates and UPE: A Comment on Results, Estimates and Projections, UNESCO, Paris.
- The EFA 2000 Assessment Arab Republic of Egypt, Cairo. (1999).
- The Role of Women as Educators in China. (1999). Beijing, China.
- Theme Paper on Women as Educators, Islamabad. (1999).
- UNESCO Cairo Office. (1999). Education and the Status of Women in Egyptian Society, Cairo, Egypt.
- Women and their Role as Educators in Nigeria, Lagos. (1999).

تاریخ وصول: ۸۹/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۹